

منابع اشعار سرگردانِ متن نزهة العقول فی لطایف الفصول

چکیده

نزهة العقول، مشحون از ابیات و اشعاری است که بدون نام شاعر به متن راه یافته‌اند. این متن چهل فصل دارد که مولف آن در هر فصلی، متناسب با حکایات، ابیات و اشعاری در قالب‌های مختلف آورده است. پژوهش حاضر با تکیه بر شیوه تحلیلی-توصیفی به بررسی این اشعار پرداخته است. در این متن، نود و هفت مرتبه از شعر استفاده شده که قالب رباعی پر بسامدترین قالب شعری به کار رفته در آن است. در نزهة العقول: از سی و چهار رباعی، بیست و هشت تکبیت، شانزده قطعه، یازده مثنوی و هشت مرتبه از ابیاتی متناسب با قالب‌های قصیده و غزل استفاده شده است. از این نود و هفت شعر مورد استفاده، منبع یا منابعی برای سی و چهار شعر پیدا شد؛ از سنایی، خاقانی و نظامی به دفعات استفاده شده و از شاعرانی چون: عین‌القضات همدانی، معین‌الدین اصبم، سیدحسن غزنوی، باباافضل کاشانی و ... شعر آمده است. در اغلب اشعار به کار رفته در متن نزهة العقول، اختلاف‌هایی با نسخه‌های چاپی دیوان شاعران وجود دارد. ضمن اینکه در انتساب بعضی از اشعار به کار رفته، تنازع وجود دارد که نزهة العقول در این راستا یاری‌دهنده است.

واژه‌های کلیدی: نزهة العقول فی لطایف الفصول، عوفی، منابع اشعار.

۱. مقدمه

نزهة العقول فی لطایف الفصول متنی است متعلق به ابوطاهر محمدبن محمد یحیی العوفی. از این متن تنها یک نسخه در کتابخانه آیت‌الله مرعشی به شماره ۹۰۸۴ وجود دارد که نخستین بار ایرج افشار و جواد بشری آن را تصحیح کرده‌اند. در ارتباط با حدود تاریخی متن، ایرج افشار بر آن است که «از قرن هشتم دورتر نیست». (افشار، ۱۳۹۰: چهارده). علی صفری آق‌قلعه، متن را از عوفی صاحب جوامع‌الحکایات می‌داند. او معتقد است که با توجه به نزدیکی نام نویسنده و اشتراکات متن نزهة العقول و جوامع‌الحکایات، صاحب هر دو متن یکی است. (ن.ک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴). روزبه و همکاران در مقاله‌ای نسبت به این ادعا تردید دارند. (ن.ک: روزبه و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴۳-۳۴۰). متن نزهة العقول شامل دیباچه‌ای است کوتاه که در یک صفحه کتابت شده است. در دیباچه متن ذکر شده که کتاب برای رضای خدا نوشته و به کسی تقدیم نشده است. به دنبال آن چهل فصل در بیان مسائل عرفانی آمده که در هر کدام از آنها حکایت یا حکایاتی متناسب با موضوع ذکر شده است.

۱-۱. بیان مساله

استفاده از اشعار، ویژگی آشکار متون فنی است؛ نزهة العقول نیز نثری است فنی که به فراخور متن، از اشعار متناسب با آن استفاده شده است. ایرج افشار در مقدمه تصحیح این متن، در ارتباط با نام شاعران، به این جمله اکتفا می‌کند که: «مولف در اشعاری که نقل کرده نگفته است از کیست و اگر بعضی از آنها از خود او باشد، باز ساکت است». (افشار، ۱۳۹۰: شانزده). او در یکی دو مورد انگشت‌شمار، در اثنای تصحیح متن به منبع آن‌ها اشاره کرده اما در اکثر موارد نامی از شاعر یا منبع شعر نبرده است. در دو موضع علی صفری آق‌قلعه در مقاله‌ای کوتاه، به صاحب اشعار اشاره کرده است.

(ن.ک: صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳). اگرچه اشعار به کار رفته در این نثر فراوان است اما در پژوهش حاضر از اشعاری یاد می‌شود که منبع یا منابعی برای آن‌ها پیدا شده است. همچنین اختلاف شعرهای به کار رفته در متن با دواوین شاعران یا منابع دیگر، در بخش یادداشت‌ها ذکر می‌شود.

۲-۱. ضرورت پژوهش

بی‌شک یکی از کارهای ارزشمند در باب اشعار به کار رفته در متون نثر، اثر ارزشمند علی صفری آق قلعه با عنوان اشعار فارسی پراکنده در متون فارسی (تا سال ۷۰۰ هجری) است. با این حال در بسیاری از موارد، تنها به ذکر اشعار و متونی که اشعار در آن به کار رفته، اکتفا کرده است. او خود به این مهم تصریح دارد که در بسیاری از ابیات، نام سرایندگان آن ذکر نشده است: «این آگاهی در صورتی درج شده که در متن مأخذ، به نام سراینده یا نام اثر (یا هر دو) تصریح شده باشد». (ن.ک: صفری آق قلعه، ۱۳۹۵: بیست و پنج). مقاله حاضر کوشیده است تا به بررسی منابع اشعار به کار رفته در متن نزهه‌العقول و اختلاف آن‌ها با دیوان‌های چاپی شاعران بپردازد که این امر در تصحیح بعضی از ابیات یاری دهنده است. دیگر این که تلاش شده است تا در ضمن بیان این منابع، به بررسی انتساب بعضی از اشعار و اختلاف نظرهایی که درباره آن‌ها وجود دارد، بپردازد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش مزبور، نوشتاری کوتاه از علی صفری آق قلعه، در دست است. علی صفری، در این نوشتار با یکی دانستن صاحب نزهه‌العقول فی لطایف الفصول و محمد عوفی صاحب جوامع‌الحکایات به ضرورت تصحیح مجدد این اثر اشاره کرده است. (ن.ک: صفری آق قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳ و ۱۴). هم‌چنین دو مقاله در زمینه سبک‌شناسی و آسیب‌های تصحیحی این متن به چاپ رسیده است. یکی با عنوان آسیب‌شناسی تصحیح نزهه‌العقول فی لطایف‌الفصول ابوطاهر محمدبن محمد یحیی عوفی، که در آن، به بررسی آسیب‌های تصحیح پیشین پرداخته شده است. (ن.ک: روزبه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۷-۳۳). دیگر: سبک‌شناسی نزهه‌العقول فی لطایف‌الفصول و تردید در انتساب آن به صاحب جوامع‌الحکایات و لوازم‌الروایات. در این مقاله به بررسی ویژگی‌های سبکی متن پرداخته شده است. ایضاً در بخشی جداگانه در انتساب آن به صاحب جوامع‌الحکایات تردید ایجاد شده است. (ن.ک: روزبه و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴۶-۳۱۵).

۲. بحث و بررسی

در این بخش به بررسی ابیاتی پرداخته می‌شود که برای آن‌ها منبع یا منابعی به دست آمده است؛ این ابیات ذکر می‌شوند و اختلاف آن‌ها با دواوین شاعران در بخش یادداشت‌ها می‌آیند. هم‌چنین در مواردی که در انتسابشان به دو شاعر تنازع وجود دارد، بحث‌ها و استدلال‌های لازم آورده می‌شود.

۱-۲. سنایی غزنوی

سنایی غزنوی (سده ششم) از جمله شاعرانی است که در بخش‌های مختلف، مورد استفاده صاحب نزهه‌العقول قرار گرفته است؛ این اشعار از دیوان سنایی و حدیقه‌الحقیقه به دست آمد. دو بیت در فصل دوم نزهه‌العقول به کار رفته که

آبشخور این دو بیت، دیوان سنایی غزنوی است. (ن.ک: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۴۸۵ و ۴۸۶). بین این دو بیت و دیوان چایی سنایی، اختلافات اندکی نیز به چشم می‌آید:

ماهها باید که تا یک پنبه دانه ز آب^۱ و گل
سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
قرطه^۲ گردد عاشقی را یا امیری را کفن^۳
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷).

بیت دیگری از دیوان سنایی (ن.ک: سنایی، ۱۳۸۵: ۱۷۹ و ن.ک: صفری آق‌قلعه، ۱/۱۳۹۵: ۵۵۹) در نزه‌العقول در دو فصل جداگانه به کار رفته است؛ یکبار در فصل بیست و نهم با عنوان فی‌العزله و یکبار در فصل بیست و ششم با عنوان فی‌القناعه:

کسی که عزت عزلت^۴ نیافت هیچ نیافت
کسی که ملک^۵ قناعت ندید هیچ ندید
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۷ و ۱۹۵).

در بخش دیگری از متن نزه‌العقول، بیتی از دیوان سنایی (ن.ک: سنایی، ۱۳۸۵: ۱۹۸) به کار رفته است؛ از این بیت در فصل بیست و نهم با اختلافات جزئی نسبت به نزه‌العقول یاد شده است:

کلبه‌ای کاندرو نخواهی^۶ ماند
سال عمرت چه ده^۷، چه صد، چه هزار
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

در فصل سی و هفتم، دو بیت عربی آمده است (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۲۴۱)، که در ترجمه‌ای که صاحب نزه‌العقول برای این دو بیت آورده، ابیات سنایی غزنوی (ن.ک: سنایی، ۱۳۸۵: ۱۰۸۸) را ذکر کرده است؛ قطعه مزبور هیچ تغییری نسبت به دیوان سنایی ندارد:

هر که چون کاغد^۸ و قلم باشد
همچو کاغد سیاه کن رویش
دو زبان و دو روی گاه سخن
چون قلم گردش به تیغ بزن
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

عباس بگ‌جانی در تصحیحش بر دیوان سید حسن غزنوی، این قطعه را با اختلافات جزئی به او نسبت داده است. (ن.ک: غزنوی، ۱۳۹۷: ۳۱۲). قطعه مزبور در تصحیح مدرس رضوی نیامده است.

در فصل بیست و یکم نزه‌العقول، سه بیت از مثنوی حدیقه‌الحقیقه (ن.ک: سنایی، ۱۳۷۷: ۵۷۲) آمده است؛ درست این سه بیت در میانه حکایتی در جوامع‌الحکایات (عوفی، ۱۳۹۴: ۲۷۲) نیز ذکر شده است. ابیات مزبور در نزه‌العقول چنین آمده است:

ابلهی داد خیره دشنامش^۹ گشت خامش ز گفته^{۱۰} خامش
گفت ازین گفت او چه آزارم آنچه گفت او نگفته انگارم
گر چنانم، بشویم^{۱۱} آن از خود ور نهام با بدی چه بد گوید
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

صاحب نزه‌العقول در فصل هفدهم نیز از تکبیتی از حدیقه‌الحقیقه (ن.ک: سنایی، ۱۳۷۷: ۷۳) یاد می‌کند؛ تکبیتی که در دیباچه حدیقه آمده است. این بیت بدون اختلاف با حدیقه، در نزه‌العقول ذکر شده است:

هر که او تخم کاهلی کارد کاهلی کافریش بار آرد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

در آغاز فصل سی و سوم نزه‌العقول نیز تکبیتی آمده که در انتساب آن تنازع وجود دارد. بیتی از قصیده‌ای بلند؛ مدرس‌رضوی بر آن است که: «این قصیده بعدالواسع جبلی که از معاصرین سنایی است نیز نسبت داده شده و در همه نسخه‌های دیوان او که به نظر نگارنده رسیده، موجود است و با نبودن در بیشتر از نسخه‌های دیوان سنایی، سبک و اسلوب قصیده هم دلیل است که از آن سنایی نیست...» (سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۴۸). از نظر تاریخی و با توجه به کاررفت اشعار و ابیاتی از شاعران معاصر با عبدالواسع در متن نزه‌العقول، به قطعیت نمی‌توان این موضوع را رد کرد؛ اما می‌توان این احتمال را داد که با توجه به استفاده فراوان عوفی از اشعار سنایی، دور نباشد اگر این قصیده را از او بدانیم. بیت مطلع قصیده که در دو متن نزه‌العقول و جوامع‌الحکایات به کار رفته، چنین است:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا وز هر دو نام ماند چو سیمرخ و کیمیا
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

در فصل بیست و چهارم نزه‌العقول، دو بیت از حدیقه‌الحقیقه به کار رفته است؛ این دو بیت، در سندبادنامه ظهیری سمرقندی (ن.ک: ظهیری سمرقندی، ۱۳۳۳: ۱۴۹) نیز بدون اختلاف آمده است؛ و اما دو بیت مزبور، این است:

گیرم ار مویها زبان گردد بر زبان صلا ز جان گردد
تا بدان شکر حق فزون گویم شکر توفیق شکر چون گویم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

۲-۲. خاقانی

خاقانی شروانی، شاعر سده ششم هجری در چند فصل مورد استفاده عوفی قرار گرفته است. صفری آق‌قلعه از جمله کسانی است که به استفاده عوفی از تحفه‌العراقین اشاره کرده است. (ن.ک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۳). بر مبنای عادت مولف اثر، تمامی این استفاده‌ها بدون ذکر نام شاعر اتفاق افتاده است. در فصل دوازدهم دو بیت از تحفه‌العراقین خاقانی

ذکر شده است. این دو بیت علاوه بر نزه‌العقول در جوامع‌الحکایات (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۴: ۴) نیز مورد استفاده قرار گرفته است؛ البته بیت‌های مزبور نسبت به تحفه‌العراقین و جوامع‌الحکایات با اختلافاتی اندک آمده است که این اختلافات در بخش یادداشت‌های متن ذکر می‌شود:

عدل	ار	نه	مهندسی	نمودی	این	گنبد	نیلگون ^{۱۲}	نبودی
ور ^{۱۳} خاک،	نه	آب	عدل	خوردی	گل	گنبد	آتشین ^{۱۴}	نکردی

(عوفی، ۱۳۹۰: ۸۰).

دیگر بار تحفه‌العراقین خاقانی مورد استفاده صاحب نزه‌العقول بوده است؛ در فصل بیستم هم، دو بیت دیگر از این کتاب آمده است که این دو بیت اختلاف اندکی با تحفه‌العراقین دارد:

قومی	همه	جامعان	معنی	دلشان	همه	جا	«معان»	معنی
جمعی	همه	سالکان	عصمت	جانشان	همه	سال	کان	دولت

(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

آبشخور این ابیات تحفه‌العراقین خاقانی است. (ن.ک: خاقانی، ۱۳۸۷: ۹۸) همچنین این دو بیت در لب‌الب‌الباب با جابه‌جایی قافیه در بیت دوم آمده است:

قومی	همه	جامعان	معنی	دلشان	همه	جا	«معان»	معنی
جمعی	همه	سالکان	دولت	جانشان	همه	سال	کان	عصمت

(عوفی، ۱۳۹۱: ۲۴).

صاحب متن نزه‌العقول دو بیت دیگر را از خاقانی در فصل بیست و هشتم کتاب به کار برده است. (ن.ک: خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱۰). دو بیت:

نپذیرد	ز	کس	حوالت	رزق	که	ضمنان‌دار	رزق	یزدان	است		
مور	را	روزی	از	سلیمان	نیست	که	نه	روزی	دهش ^{۱۵}	سلیمان	است

(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

این دو بیت در جوامع‌الحکایات نیز بدون نام سراینده مورد استفاده قرار گرفته است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۴: ۲۲۸).
ایضاً در فصل سی و پنجم نزه‌العقول نیز بیتهایی از خاقانی مورد استفاده عوفی قرار گرفته است (ن.ک: خاقانی، ۱۳۷۵: ۶۶۶). آن بیت این است:

گر	چوب	بریشم	زن،	خفته‌ست	چو	کرم	قز	از	بانگ	قنینه‌وش ^{۱۶}	بیدار	بصبح	اندر
----	-----	-------	-----	---------	----	-----	----	----	------	------------------------	-------	------	------

(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

در فصل نهم نزه‌العقول هم بیتهایی از خاقانی (ن.ک: خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۸۹) بدون اختلاف با دیوان چاپی آن آمده است:

عشق تو^{۱۷} پوستین گر بدرد گو بدر
سـوخته گرم رو تا چه کند پوستین
(عوفی، ۱۳۹۰: ۶۳).

هم‌چنین در فصل هشتم، صاحب نزه‌العقول تک‌بیتی از خاقانی را (ن.ک: خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۷۸) با اختلافاتی جزئی ذکر کرده است:

زر دو حرف افتاد^{۱۸} با هم هر دو را پیوند نی
پس چرا^{۱۹} پیوند سازد با دل یکتای من
(عوفی، ۱۳۹۰: ۵۸).

۲-۳. نظامی

عوفی از اشعار نظامی (شاعر سده ششم) در کتاب نزه‌العقول به تکرار استفاده کرده است. در فصل چهارم نزه‌العقول دو بیت بدون نام سراینده ذکر شده، که در باب‌الالباب نیز بیت نخست و بیتی دیگر بدون ذکر نام شاعر و در رثای ابونصر هبه‌الله الفارسی (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۷۶ و ۷۷) آمده است؛ دو بیت که با جستجو، دریافتیم در خسرو و شیرین نظامی گنجه‌ای نیز هست. این دو بیت در نزه‌العقول به این شکل آمده است:

دهد، بستاند و عاری ندارد
بجز داد و ستد کاری ندارد
به صد نوبت دهد حالی^{۲۰} به آغاز
به یک نوبت ستاند عاقبت باز
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

در خسرو و شیرین بین دو بیت فاصله زیادی است و تفاوتی که در این میان وجود دارد، تقدم بیت دوم نسبت به بیت نخست است. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۴۸۴ و ۴۸۸).

عوفی در نزه‌العقول در فصل بیست و سوم نیز تک‌بیتی از نظامی گنجه‌ای به کار برده است؛ تک بیت بدون ذکر نام شاعر آمده است:

بسا بینا که از زر کور گردد
بسا آهن ز زر بی‌زور گردد^{۲۱}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

بیت از خسرو و شیرین نظامی است. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).

همچنین در فصل بیست و یکم، تک‌بیتی به کار رفته که مصراع دومش با بیتی از نظامی گنجه‌ای (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۴۴) یکسان است:

اگر مردی برو دل در خدا بند
سـر کیسه ببرگ گندنا بند^{۲۲}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

در فصل نوزدهم نزه‌العقول سه بیت از نظامی به کار رفته است:

اگر آبی بماند در هوا دیر
به میل طبع هم راجع شود زیر
ور آتش در زمین جائی نیابد^{۲۳}
زمین بشکافد و بالا شتابد

هر آن جوهر که هست او از عدد بیش^{۲۴} همه دارند میل مرکز خویش
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

ابیات از خسرو و شیرین نظامی است؛ تقدم و تأخر ابیات در خسرو و شیرین نسبت به این ابیات متفاوت است. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

در فصل شانزدهم متن نزهه‌العقول، تکبیتی دیگر از نظامی نیز به کار رفته است:
چون^{۲۵} قدمت شد به یقین استوار گرد ز دریا، نم از آتش، بر آر
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

بیت از مخزن‌الاسرار نظامی است. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).
در فصل بیست و سوم نزهه‌العقول، سه بیت دیگر از نظامی آمده است:

دو قفل شکر از یاقوت برداشت زو^{۲۶} و یاقوت و شکر قوت برداشت
رطبهایی که سرورش بار می‌داد رطب را گوشمال خار می‌داد
ز بس کز دامن لب شکر افشاند شکر دامن بخوزستان بر افشاند^{۲۷}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

ابیات از خسرو و شیرین نظامی است. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۰۰).

۲-۴. سید حسن غزنوی

اشرف‌الدین ابو محمد حسن بن محمد حسینی غزنوی (۵۳۵-۵۶۵ ق) متخلص به حسن، شاعر و واعظ سده ششم هجری است. صاحب نزهه‌العقول از او (غزنوی، ۱۳۶۸: ۳۴۱) یک رباعی آورده است:

یا رب ز تو آنچه من گدا می‌خواهم افزون^{۲۸} ز هزار پادشا می‌خواهم
هرکس به در تو حاجتی می‌خواهند من آمده‌ام از تو ترا^{۲۹} می‌خواهم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

۲-۵. رشیدالدین وطواط

رشیدالدین وطواط، صاحب حدائق‌السحر فی الدقایق‌الشعر، شاعر و نویسنده ایرانی در سده ششم و هفتم هجری در یک موضع، مورد استفاده عوفی قرار گرفته است. صاحب نزهه‌العقول در پایان فصل دوازدهم، دو بیت را از او به کار برده است:

آن خسروان که نام نکو کسب کرده‌اند رفتند و یادگار ازیشان جز آن نماند
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود جز نام نیک از پس نوشیروان نماند
(عوفی، ۱۳۹۰: ۸۲).

دو بیت از قصیده‌ای از رشیدالدین وطواط است. در دیوان او به فاصله دو بیت یک بیت دیگر نیز آمده است. (ن.ک: وطواط، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

۲-۶. ادیب صابر

«شهاب‌الدین شرف‌الادبا صابر بن اسماعیل ترمذی از مشاهیر شاعران نیمه اول قرن ششم و مشهور به ادیب صابر است.» (صفا، ۱۳۷۱: ۶۴۳). در فصل یازدهم حکایتی در نزه‌العقول به کار رفته که این حکایت همراه با دو بیت از ادیب صابر ترمذی است. البته در نزه‌العقول ذکری از نام شاعر نیامده است؛ صاحب لباب‌الالباب ضمن اشاره به حکایت مزبور، این دو بیت را به ادیب صابر ترمذی منتسب می‌داند. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۳۰۴). و اما دو بیت ادیب صابر در نزه‌العقول چنین آمده است:

روز می خوردن بدوزخ رفتی ای اخطی ز بزم
صد هزاران آفرین بر روز می خوردنت باد
ناگهان رفتی و خلقی زنده گشت از مردنت
گرچه اهل لعنتی، رحمت برین مردنت باد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۷۷).

۲-۷. معین‌الدین اصم

عوفی در لباب‌الالباب، با لفاظی و بدون ذکر تاریخ مشخص به معرفی معین‌الدین اصم می‌پردازد. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۸۱). صاحب نزه‌العقول در پایان فصل سی و چهارم کتاب این قطعه دو بیتی را بدون نام آورده است:

هرچند که کار تو درین گنبد گردان
چون قد الف تاب و خم و پیچ ندارد
امروز مکن تکیه برین حرف که فردا
معلومت گردد که الف هیچ ندارد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

اگر چه صاحب لباب‌الالباب، این قطعه را منتسب به معین‌الدین اصم می‌داند (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۸۲)، اما در دیگر تذکره‌ها انتساب آن محل تنازع است. اوحدی بلیانی در وصف معین‌الدین اصم با لفظ‌پردازی و استناد به سخنان عوفی که بعضاً با عبارات او در وصف معین‌الدین، یکسان است، قطعه مزبور را به او نسبت می‌دهد. (ن.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۸۳۱). کاظم فتحی در کتاب گلچینی از گلشن رضوان، قطعه مورد نظر را از معین‌الدین اصم می‌داند. (فتحی، ۵/۱۳۸۲: ۱۱۵).

از تذکره‌های متأخر، نخستین بار، صاحب تذکره آفتاب‌عالم‌تاب قطعه مورد نظر را منتسب به الف ابدال بلخی می‌داند: «مصاحب و ندیم سلطان یعقوب بود. بعد وفات سلطان در خدمت شاه طهماسب صفوی به سر می‌برد. روزی شاه از او پرسید که برای ما چه شعری گفته‌ای[..] از اشعار اوست:

هرچند که کار تو درین گنبد گردان
چون قد الف تاب و خم و پیچ ندارد
امروز مکن تکیه برین حرف که فردا
معلومات گردد که الف هیچ ندارد»
(اختر هوگلی، ۱۳۹۲: ۲۴۳).

به مانند تذکره آفتاب عالمتاب، صاحب تذکره روز روشن نیز این قطعه را همراه با اشکال وزنی به ابدال بلخی منتسب می‌داند:

هرچند کار تو درین گنبد گردان
چون قد الف تاب و خم و پیچ ندارد
امروز مکن تکیه برین حرف که فردا
معلومات گردد که الف هیچ ندارد
(صبا، ۱۳۴۳: ۷۵).

در این تذکره مصراع اول بیت اول به همین شکل آمده و وزن معیوب است. دهخدا نیز در ذیل واژه الف ابدال، شرحی از این شاعر را ارائه می‌دهد و در ادامه با استناد به تذکره روشن، این قطعه را از ابدال بلخی می‌داند. (ن.ک: دهخدا، ذیل واژه الف ابدال).

با قاطعیت می‌توان گفت که قطعه مزبور از الف ابدال بلخی نیست. چنان‌که گفته شد، این ابدال بلخی، از شاعران دوره صفویه است و احتمالاً به خاطر تخلص شعری‌اش به الف، به اشتباه این قطعه را به او نسبت داده‌اند. با این حال اقدام تذکره‌ها و معتبرترین آن‌ها یعنی لباب، چند قرن پیش از ابدال بلخی، قطعه مزبور را به معین‌الدین اصم نسبت می‌دهد.

۲-۸. عین‌القضات همدانی

عین‌القضات همدانی با نام کامل عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی (۵۲۵-۴۹۲ ه.ق) حکیم، نویسنده و شاعر ایرانی است. در فصل بیست و پنجم کتاب نزه‌العقول، عوفی یک قطعه آورده، که در تمهیدات عین‌القضات (ن.ک: عین‌القضات، ۱۳۷۳: ۲۴۴) نیز به کار رفته است:

ما بلا بر کسی قضا نکنیم
تا ورا نام ز اولیایا نکنیم
این بلا گوهر خزانه ماست
ما به هرکس گهر عطا نکنیم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

مصححان کتاب نزه‌العقول با وجود تصحیح نادرست بیت نخست، به شعر عین‌القضات اشاره کرده‌اند. (همان: همان‌جا).

۲-۹. انوری

اوحدالدین محمد بن محمد یا اوحدالدین علی بن اسحق انوری ابیوردی، از شاعران نامبردار نیمه دوم قرن ششم هجری است که در دو موضع مورد استفاده عوفی قرار گرفته است. صاحب نزه‌العقول در فصل سی و چهارم، تکبیتی آورده است که در بخش غزلیات دیوان انوری (ن.ک: انوری، ۱۳۹۴: ۴۶۲) پیدا شد؛ آن تک بیت این است:

کارم به جان رسید^{۳۱} به جانان نمی‌رسم
دردم دراز گشت^{۳۲} به درمان نمی‌رسم
(عوفی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

ایضاً در فصل دهم نزه‌العقول نیز یک قطعه از انوری (ن.ک: انوری، ۱۳۹۴: ۶۳۰) آمده است. این قطعه اختلافات اندکی با دیوان انوری دارد که در بخش یادداشت‌ها آمده است:

شب تاریک و ابر تند و باد تیز و بارنده
غلاما خیز آتش کن چو^{۳۳} داری هیزم افکنده
که گر بر دید آن آتش، یکی مهمان فراز آید^{۳۴}
تو از مال من آزادی که مهمان بهتر از بنده
(عوفی، ۱۳۹۰: ۷۰).

۲-۱۰. یک رباعی مشترک با شرح اخبار کلیله و دمنه

صاحب نزه‌العقول در فصل بیست و ششم یک رباعی به کار برده است که از نام شاعر آن اطلاعی به دست نیامد اما این رباعی در منبعی دیگر پیدا شد:

قسمی که ترا رسید کس را ندهند
قسم دگری هم به تو عمدا ندهند
خود را چه کنی به غصه جوجو که به جهد
گاهی نتوانی ستدن تا ندهند
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

این رباعی در کتاب شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیله و دمنه آمده است. (ن.ک: اسفزاری و مولف ناشناس، ۱۳۸۰: ۳۲۵). رباعی در این کتاب نیز بدون نام شاعر آمده و تنها اختلاف دو روایت در مصراع سوم است که در شرح اخبار، چنین آمده: «خود را چه کنی ز غصه جوجو که به جهد». (همان: همان‌جا). حدود تاریخی این کتاب تناقضی با حدود تاریخی دیگر اشعار نزه‌العقول ندارد. کتاب مزبور شامل دو شرح از فضل‌الله بن عثمان بن محمد الاسفزاری (تالیف در نیمه هفتم هجری) و مولفی ناشناخته (تالیف در سال ۶۲۱ هجری) است.

۲-۱۱. ابیاتی مشترک با متن سندبادنامه

سندبادنامه، کتابی است پیرامون علم اداره مملکت و رفتار با رعیت در قالب حکایات و قصص که در نیمه اول قرن هفتم هجری، محمد بن علی ظهیری سمرقندی آن را نوشته است. عوفی از این ظهیری، در لباب‌الالباب یاد کرده اما نامی از سندبادنامه نبرده است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۹۰). سه بیت مشترک با نزه‌العقول در این کتاب به کار رفته است. یکی از شاعر ناشناس:

نومید مشو اگر چه امید نماند
کس در غم روزگار جاوید نماند
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

این بیت عیناً در سندبادنامه آمده است. (ن.ک: ظهیری سمرقندی، ۱۳۳۳: ۹۷). دو بیت دیگر با اختلاف جزئی در سندبادنامه (همان: ۱۴۹). آمده است. این دو بیت در بخش اشعار سنایی همین پژوهش، گفته شد.

۱۲-۲. ابومحمد بن محمد رشیدی سمرقندی

در میانه فصل شانزدهم نزه‌العقول یک رباعی از ابوبکر احمد الجاجمی، به کار رفته است؛ این ابوبکر ظاهراً از وزرای عالی رتبه بوده است و عوفی (صاحب لباب) از او سخن گفته است؛ رباعی با اختلافاتی اندک در لباب ذکر شده است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). این اختلاف‌ها در بخش یادداشت‌ها آمده است. رباعی در نزه‌العقول چنین آمده است:

گردی که به راه از سم اسب تو بخواست
گر سرمه دیده‌ای کند^{۳۵} چرخ رواست
مر کهتر^{۳۶} خویش را تفقد کردی
عذر قدمت هم کرمت داند خواست
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۱۱ و ۱۱۲).

۱۳-۲. اسدی طوسی

قدیمی‌ترین شاعری که مورد استفاده صاحب نزه‌العقول قرار گرفته، اسدی طوسی است: «حکیم ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی از شاعران بزرگ قرن پنجم و از جمله حماسه‌سرایان معروف ایرانست». (صفا، ۱۳۷۱: ۴۰۳). از این اسدی طوسی (ن.ک: اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۲۴) در فصل چهاردهم نزه‌العقول تک‌بیتی آمده است که اختلافات اندکی نسبت به بیت گرشاسب‌نامه دارد:

دو زلفش همه^{۳۷} جیم و در جیم دال
لبش میم و از مشک بر میم خال^{۳۸}
(عوفی، ۱۳۹۰: ۹۱).

۱۴-۲. بابا افضل کاشانی

افضل‌الدین کاشانی ملقب به بابا افضل مرقی معروف به بابا افضل کاشی یا بابا افضل کاشانی: «همه جا بلقب خویش معروف است و در هر کتابی که ذکری از او رفته او را بعنوان افضل‌الدین کاشانی نام برده‌اند و در عرف زبان فارسی به بابا افضل مشهور است». (نفیسی، ۱۳۱۱: ۴). بر مبنای فرضیات نفیسی او را باید شاعر اواخر قرن ششم و هفتم بدانیم: «چون ولادت وی را در سال ۵۸۲ یا ۵۹۲ بحدسی که پیش از این زده شد، بینگاریم تا سال ۶۵۴ یا ۶۶۴ زنده بوده است و رحلت وی پس از این تاریخ روی داده». (همان: ۳۲). آنچه برای این پژوهش قابل اعتنا و مهم است، حدود تاریخی زندگی اوست که به قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم بر می‌گردد. به هر روی، دو رباعی در نزه‌العقول به کار رفته که در مجموعه رباعیات بابا افضل کاشانی پیدا شد: یک^{۳۹}:

ناگاه به نزد مرد آگاه آید
رو خانه بروب شاه ناگاه آید
خرگاه وجود خویش^{۴۰} را خالی کن
چون خالی شد^{۴۱} شاه به خرگاه آید
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

کان سنگ و زرش چگونه تعلیمی داد^{۴۴}
وان سر که گران^{۴۵} گشت به پستی افتاد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

آخر به ترازو نگر ای نااستاد^{۴۳}
آن سر که کم آمد بیلندی برسید

۲-۱۵. مجدالدین احمد بن محمد ابی بدیل سجاوندی

از این بدیل سجاوندی در لباب‌الالباب (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۱: ۲۱۷) سخن آمده است؛ در لباب چنان که باب است بیشتر لفاظی و قلم‌پردازی صورت گرفته و در تاریخ او سخنی گفته نشده است. بیشتر وصف حال اوست. به هر روی، صاحب نزهه‌العقول در فصل ششم، یک رباعی بدون نام شاعر به کار برده که این رباعی در لباب در ذیل اشعار بدیل سجاوندی (ن.ک: همان: ۲۱۸) آمده است:

یک روز بهی کن، همه بد نتوان کرد
در هر بدی‌ای، بدی مدد نتوان کرد
کس را به بدی مطیع خود نتوان کرد
این بی‌ادبی تا به ابد نتوان کرد
(عوفی، ۱۳۹۰: ۴۷).

۳. نتیجه‌گیری

در نثر نزهه‌العقول نود و هفت مرتبه از شعر استفاده شده است؛ سی و چهار رباعی، بیست و هشت تک بیت، شانزده قطعه، یازده مثنوی و هشت بار از قالب‌هایی متناسب با غزل و قصیده. در سی و چهار موضع از این اشعار منبع یا منابعی به دست آمد. تمامی این منابع به قبل از قرن هفتم بر می‌گردد؛ بیشترین استفاده‌ها از سنایی، نظامی، خاقانی و بابا افضل کاشانی است. از شاعرانی چون: عین‌القضات همدانی، معین‌الدین اصم، سیدحسن غزنوی، بدیل سجاوندی و ... بدون ذکر نام آن‌ها استفاده شده است. قدیمی‌ترین شاعری که از او در نزهه‌العقول شعر آمده، اسدی توسی است که تک‌بیتی از گرشاسب‌نامه را ذکر کرده است. مابقی شاعران مورد استفاده مولف، در یک دوره تاریخی می‌زیسته‌اند؛ همه این شاعران در حدود نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم زندگی می‌کرده‌اند. بر این اساس می‌توان ادعان داشت که مولف متن نباید فراتر از قرن هفتم باشد. در انتساب برخی از اشعار، تنازع وجود داشت که در ضمن پژوهش، این انتساب‌ها بررسی شد؛ بر این مبنا، انتساب یک قطعه به معین‌الدین اصم، نسبت به ابدال بلخی، ارجحیت دارد. ضمن این که در تصحیح یک رباعی از بابا افضل کاشانی، که نفیسی از تصحیح مصراع نخست آن سر باز زده بود، متن نزهه‌العقول، یاری‌دهنده است.

یادداشت‌ها

۱. نسخه نزهه‌العقول: از آب. افشار قیاساً «ز آب» تصحیح کرده است. (عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷). سنایی: ز آب. (ن.ک: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۴۸۵ و ۴۸۶).
۲. در حاشیه: ظ: فوته (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷).
۳. در حاشیه متن چنین آمده است: عاشقی را حله گردد یا شهیدی را کفن. (همان: همان‌جا).
۴. در فصل بیست و ششم، «راحت عزلت» آمده است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). دیوان سنایی: عزت عزلت. نسخه بدلی که راحت عزلت برای بیت سنایی داشته باشد، ذکر نشده است. (ن.ک: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).
۵. در فصل بیست و ششم، عز قناعت آمده است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). دیوان سنایی: روی قناعت. در دیوان سنایی، نسخه بدلی برای عز قناعت یا ملک قناعت ذکر نشده است. (ن.ک: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

۶. متن: نخواهم. در دیوان سنایی «نخواهی» آمده است. افشار با ذکر «نخواهم» در پاورقی، قیاساً «نخواهی» تصحیح کرده است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).
۷. متن: دو. در دیوان سنایی «ده» آمده است. (ن.ک: سنایی غزنوی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). افشار با ذکر «دو» در پاورقی، قیاساً ده تصحیح کرده است. (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).
۸. در نزهه‌العقول به دال آمده است. (عوفی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).
۹. در حدیقه چنین آمده است: که سفیهی چو داد دشنامش. (ن.ک: سنایی، ۱۳۷۷: ۵۷۲)
۱۰. حدیقه: گفتن. (همان: همان‌جا)
۱۱. متن: بشنومیم. در حدیقه (همان: همان‌جا) و جوامع‌الحکایات (عوفی، ۱۳۹۴: ۲۷۲): بشویم.
۱۲. تحفه‌العراقین (ن.ک: خاقانی، ۱۳۸۷: ۹۸) و جوامع‌الحکایات (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۴: ۴): آبگون.
۱۳. جوامع‌الحکایات: در.
۱۴. جوامع‌الحکایات: آتشی.
۱۵. در متن، در این موضع، «نه» آمده است که با توجه به وزن و محتوا، خطای آن واضح است. در دیوان خاقانی (ن.ک: خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱۰) و جوامع (عوفی، ۱۳۹۴: ۲۲۸) به این گونه آمده است: که ز روزی ده سلیمان است.
۱۶. دیوان خاقانی: قنینه‌ش کن.
۱۷. متن: + گر.
۱۸. دیوان خاقانی: + و.
۱۹. دیوان خاقانی: کجا.
۲۰. خسرو و شیرین: جانی.
۲۱. در خسرو و شیرین، مصراع دوم چنین آمده است: بس آهن کاو به زر بی زور گردد. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).
۲۲. مصراع دوم از خسرو و شیرین نظامی است: بزرگی بایدت دل در سخا بند سر کیسه به بند گندنا بند (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۳۴۴).
۲۳. این مصراع در خسرو و شیرین چنین است: گر آتش در زمین منفذ نیابد. (ن.ک: نظامی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).
۲۴. مصراع در خسرو و شیرین چنین است: هر آن گوهر که هستند از عدد بیش. (ن.ک: همان: همان‌جا)
۲۵. مخزن: گر.
۲۶. اصل: وازو. در خسرو و شیرین «وزآن» آمده است.
۲۷. اصل: وازو. در خسرو و شیرین «وزآن» آمده است.
۲۸. در نسخه بدل‌های دیوان سیدحسن غزنوی، افسوس آمده است. (ن.ک: غزنوی، ۱۳۶۸: ۳۴۱)
۲۹. در نسخه بدل‌های دیوان سیدحسن غزنوی، مرا آمده است. (ن.ک: همان).
۳۰. در تصحیح افشار به جای «ز اولیا»، «روایا» آمده است! (ن.ک: عوفی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). در نسخه خطی اگر چه چندان خوانا نیست، اما زولیا آمده است. (ن.ک: عوفی، بی تا: ۱۱۴). در تمهیدات نیز ز اولیا آمده است. (ن.ک: عین‌القضات، ۱۳۷۳: ۲۴۴).
۳۱. دیوان انوری: + و.
۳۲. دیوان انوری: دردم ز حد گذشت.
۳۳. دیوان انوری: که.
۳۴. دیوان انوری: اگر از دود آن آتش ترا مهمان فراز آید.
۳۵. لباب‌الالباب: دیده کندش.
۳۶. لباب‌الالباب: بنده.
۳۷. گرشاسب‌نامه: بهم. (ن.ک: اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۲۴)
۳۸. مصراع دوم چنین آمده است: دهن میم و بر میم از مشک خال. (ن.ک: همان: ۲۲۴)
۳۹. رباعی در مجموعه رباعیات باباافضل کاشانی آمده است. (ن.ک: کاشانی، ۱۳۱۱: ۱۳۴). بیت دوم این رباعی با اختلافی جزئی به مولانا جلال‌الدین بلخی (ن.ک: مولوی، ۱۳۸۴: ۱۳۸۸) هم نسبت داده شده است. با توجه به حدود تاریخی نزه‌العقول، انتساب آن به مولانا بعید به نظر می‌رسد.

۴۰. بابا افضل: خود.

۴۱. بابا افضل: پاک شوی.

۴۲. این رباعی در مجموعه رباعیات بابا افضل کاشانی آمده است. (ن.ک: کاشانی، ۱۳۱۱: ۱۱۵).

۴۳. نفیسی مصراع اول را ناخوانا دانسته است و چنین آورده: آخر سر ازو مکر ای با استاد! (ن.ک: همان: همان‌جا).

۴۴. مصراع دوم در رباعیات بابا افضل چنین آمده است: کاندر روش خویش چه تعلیمت داد(ن.ک: همان: همان‌جا).

۴۵. بابا افضل: فزون. (ن.ک: همان: همان‌جا).

منابع

کتاب‌ها

۱. آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۳۷) **آشکده آذر**، با مقدمه و فهرست و تعلیقات سیدجعفر شهیدی، موسسه نشر کتاب.
۲. اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۵۴) **گرشاسب‌نامه**، به اهتمام حبیب یغمایی، کتابخانه طهوری.
۳. الاسفزاری، فضل‌الله بن عثمان و مؤلف ناشناس (۱۳۸۰) **شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیله و دمنه**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از بهروز ایمانی، تهران، انتشارات سخن.
۴. انوری، محمدبن محمد (۱۳۹۴) **دیوان انوری**، مقدمه سعید نفیسی، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه.
۵. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد حسینی (۱۳۸۹) **عرفات العاشقین و عرصات العارفين**، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری - آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، میراث مکتوب، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۶. خاقانی، بدیل‌بن علی (۱۳۸۷) **تحفه العراقین**، به کوشش علی صفری آق‌قلعه، تهران، انتشارات میراث مکتوب.
۷. _____ (۱۳۷۵) **دیوان خاقانی**، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، جلد دوم، تهران، نشر مرکز.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) **لغت‌نامه**، چاپ دوم از دوره جدید، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سنایی غزنوی، ابومجد مجدودبن آدم (۱۳۸۵)، **دیوان اشعار**، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، انتشارات سنایی، چاپ ششم.
۱۰. _____ (۱۳۷۷) **حدیقه الحقیقه**، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. صبا، محمد مظفرحسین (۱۳۴۳) **تذکره روز روشن**، تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، کتابخانه رازی.
۱۲. صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۵) **اشعار فارسی پراکنده در متون (تا سال ۷۰۰ هجری)**، تهران، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
۱۳. صفوی، سام میرزا (۱۳۱۴) **تحفه سامی**، تصحیح و مقابله وحید دستگردی، طهران، مطبعه ارمغان.

۱۴. ظهیری سمرقندی، محدبن علی بن محمد (۱۳۳۳) *سندبادنامه*، کتابفروشی ابن سینا و خاور.
۱۵. عوفی، محمد (۱۳۹۱) *لباب اللباب*، تصحیح عزیزالله عزیزاده، تهران، انتشارات فردوس.
۱۶. _____ (۱۳۹۴) *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، به تصحیح و مقابله امیربانو مصفا (کریمی)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. عوفی، محمد بن محمد (۱۳۹۰) *نزه العقول فی لطایف الفصول*، تصحیح ایرج افشار، با یاری جواد بشری، انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار.
۱۸. _____ (بی تا) *نسخه خطی نزه العقول فی لطایف الفصول*، به شماره ۹۰۸۴، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.
۱۹. غزنوی، سید حسن (۱۳۶۲) *دیوان اشعار*، تصحیح مدرس رضوی، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۰. _____ (۱۳۹۷) *دیوان سید حسن غزنوی*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات عباس بگ جانی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۱. فتحی، کاظم (۱۳۸۲) *گلچینی از گلشن رضوان*، جلد پنجم، انتشارات انسان.
۲۲. کاشانی، بابا افضل (۱۳۱۱) *رباعیات بابا افضل کاشانی*، تصحیح سعید نفیسی، کتابخانه دانشگاه تهران.
۲۳. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۸۴) *کلیات دیوان شمس تبریزی*، بر اساس نسخه تصحیح شده فروزانفر، انتشارات شقایق، چاپ اول.
۲۴. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۵) *کلیات خمسة نظامی*، تصحیح وحید دستگردی، انتشارات طلوع، تهران.
۲۵. _____ (۱۳۸۵) *مخزن الاسرار*، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره.
۲۶. _____ (۱۳۸۶) *خسرو و شیرین*، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۷. وطواط، رشیدالدین (۱۳۸۹) *دیوان رشیدالدین وطواط*، مقدمه، مقابله و تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۸. همدانی، عین القضاة (۱۳۷۳)، *تمهیدات*، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق عقیف عسیران، انتشارات منوچهری، تهران.

ب) مقالات

۱. صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۰) «نزه العقول اثری دیگر از مولف جوامع الحکایات»، گزارش میراث، شماره ۴۶، صص ۱۳ و ۱۴.

۲. یعقوبی، امین و محمدرضا روزبه و صفیه مرادخانی و علی نوری (۱۴۰۰) «آسیب‌شناسی تصحیح نزهه‌العقول فی لطایف‌الفصول ابوطاهر محمدبن محمد یحیی عوفی»، نشریه متن‌شناسی ادب فارسی، دانشگاه اصفهان، سال سیزدهم، شماره سوم، صص ۳۳-۴۷.

۳. یعقوبی، امین و محمدرضا روزبه و صفیه مرادخانی و علی نوری (۱۴۰۲) «سبک‌شناسی نزهه‌العقول فی لطایف‌الفصول و تردید در انتساب آن به صاحب جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات»، نشریه نثرپژوهی ادب فارسی، دانشگاه کرمان، دوره ۲۶، شماره ۵۳، صص ۳۱۵-۳۴۶.

پایگاه نشر سوره برای انتشار